

"زندگی به عنوان نامزد امپراطور"



مترجم :

Akane

کاری از تیم :

Flaxen Guys

ویراستار :

۴_۵_۵12

کلینر :

Akane



@Flaxen_Guys



@Flaxen_Guys



@FlaxenGuys

تایپست :

Black

گفتی اعلیضرت
سمیکو شکست داد؟

بله، قربان.
فوق العاده بود!



راستی، در اون باره
شنیدی؟ اعلیضرت...

معلومه که شنیدم!

خبرا رو شنیدی؟
اعلیضرت...



به مضم اینکه
امروز صبح رسیدم اینجا،
شنیدم.

تو هم شنیدی؟
اعلیضرت...



شنیدم، فیلی
غافل گیرکننده بود.



آهن شنیدی که
اعلیضرت...

*Alan

... شنیدم.



تو دوازدهمین نفری
هستی که اینو به من
می‌گی.

هنوزم نمی‌تونم
باورش کنم!

ادل واقعاً نامزد
امپراطوره؟



چرا از من
می‌پرسی؟

اگه می‌خوای بگی
"وای، ادل نامزد امپراطوره"
یعنی خودتم این مسئله رو
قبول کردی.

اونو نامزدن...
من نمی‌خوام به ادل
توهین کنم،

ولی اون سلیقه‌ی
اعلیضرته؟

...مهم

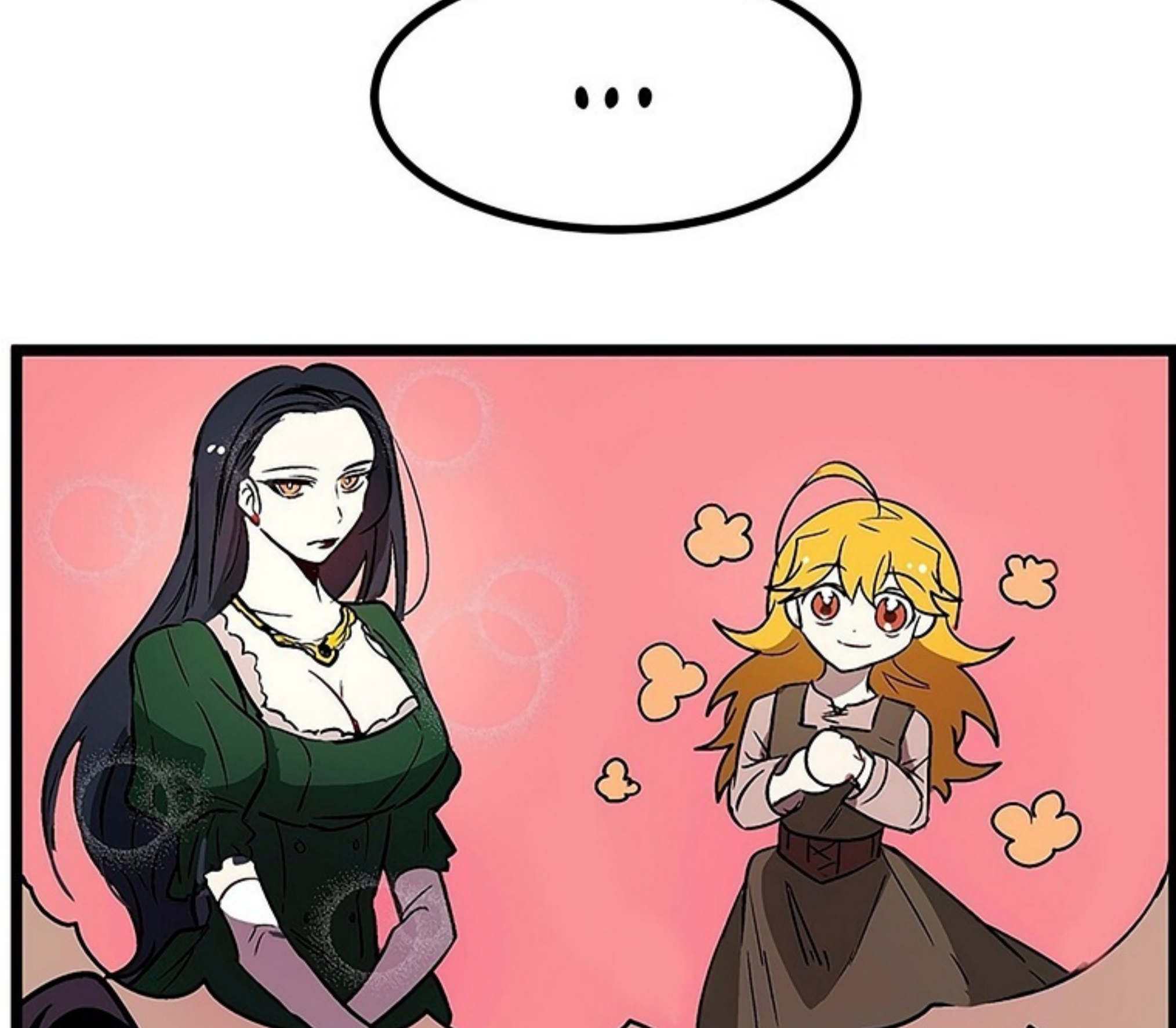
فقط یه ماهه که ما
همو دیدیم و حالا، کسی که
یه بارم قرار نذاشته، نامزد
کرده.



...



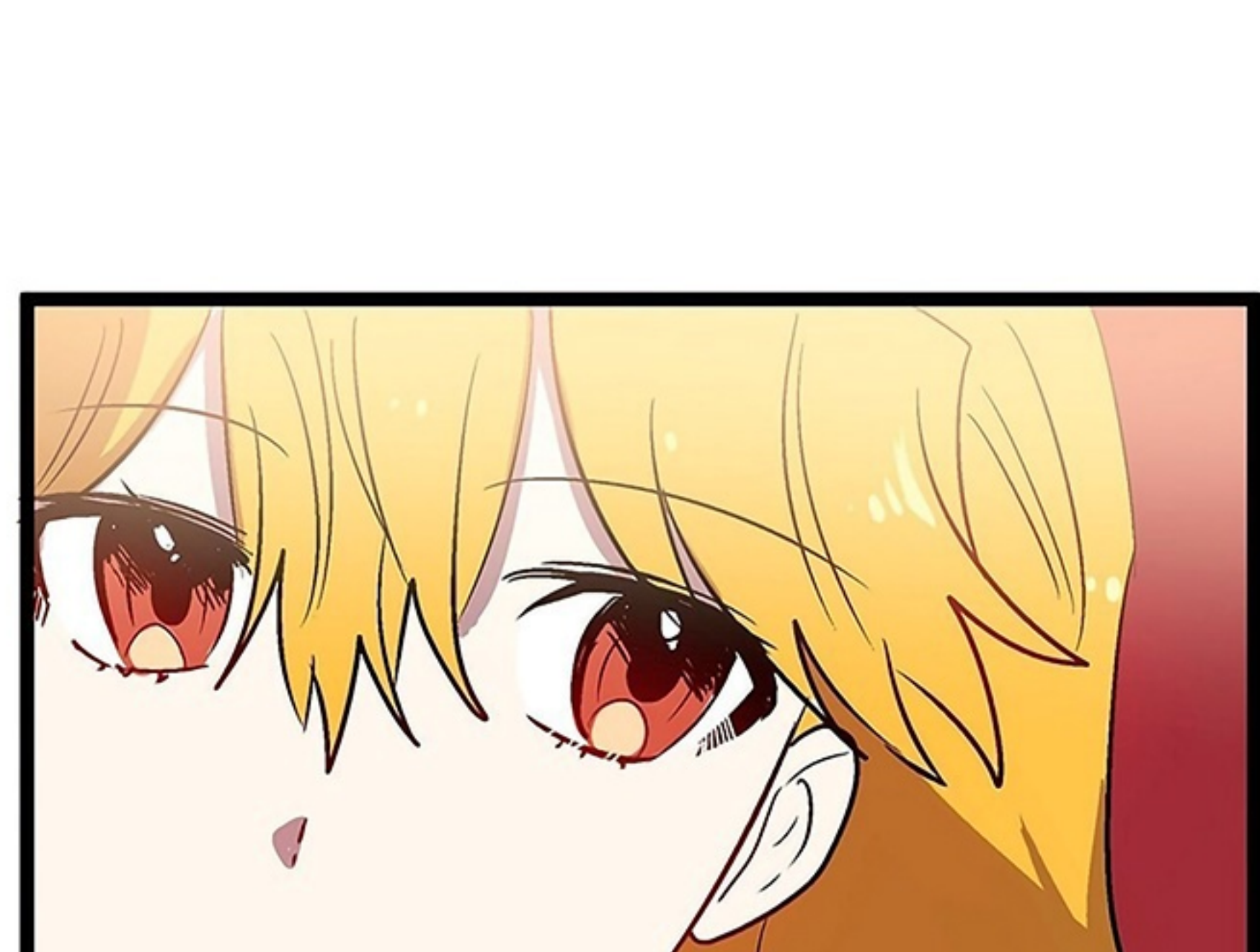
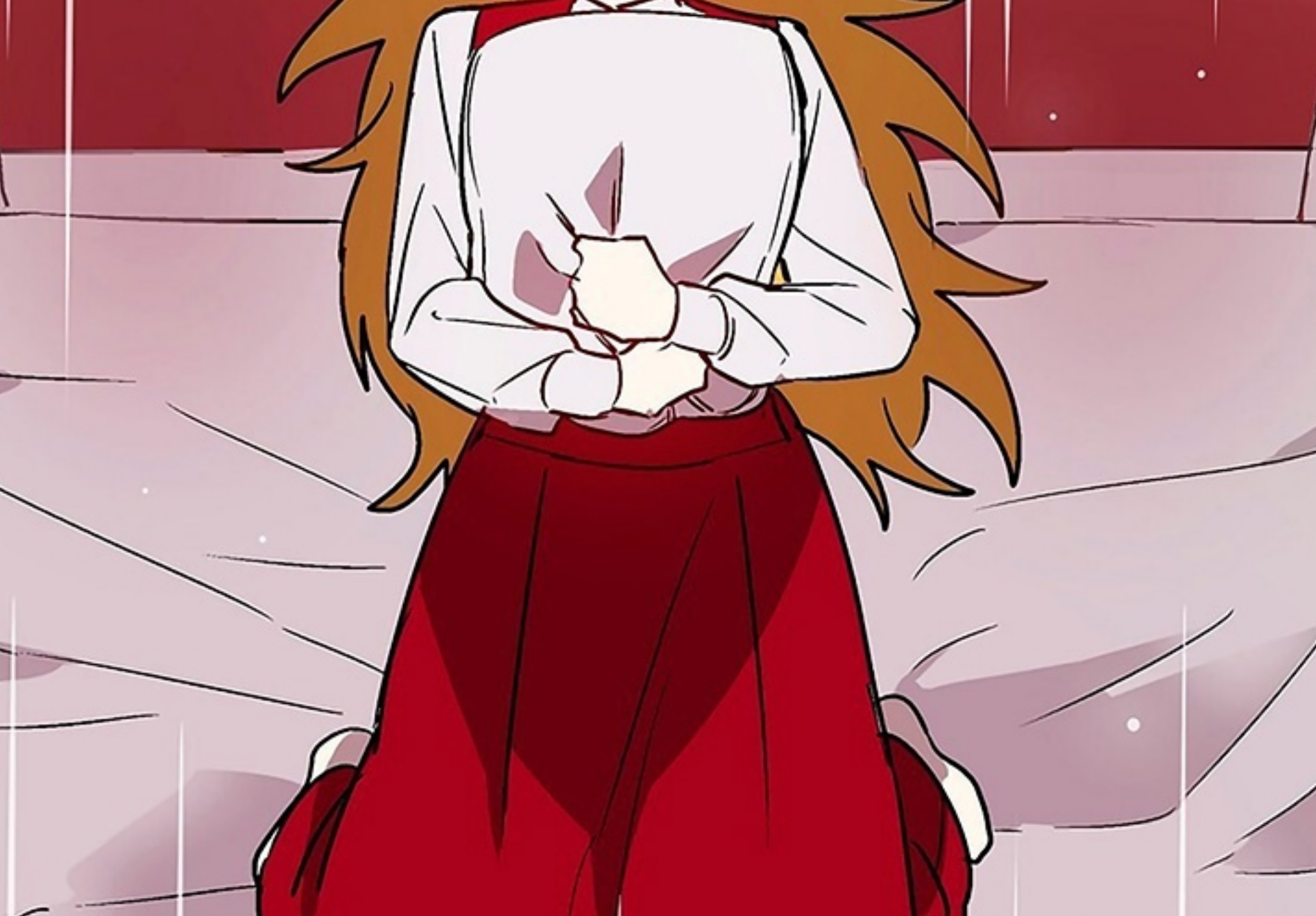
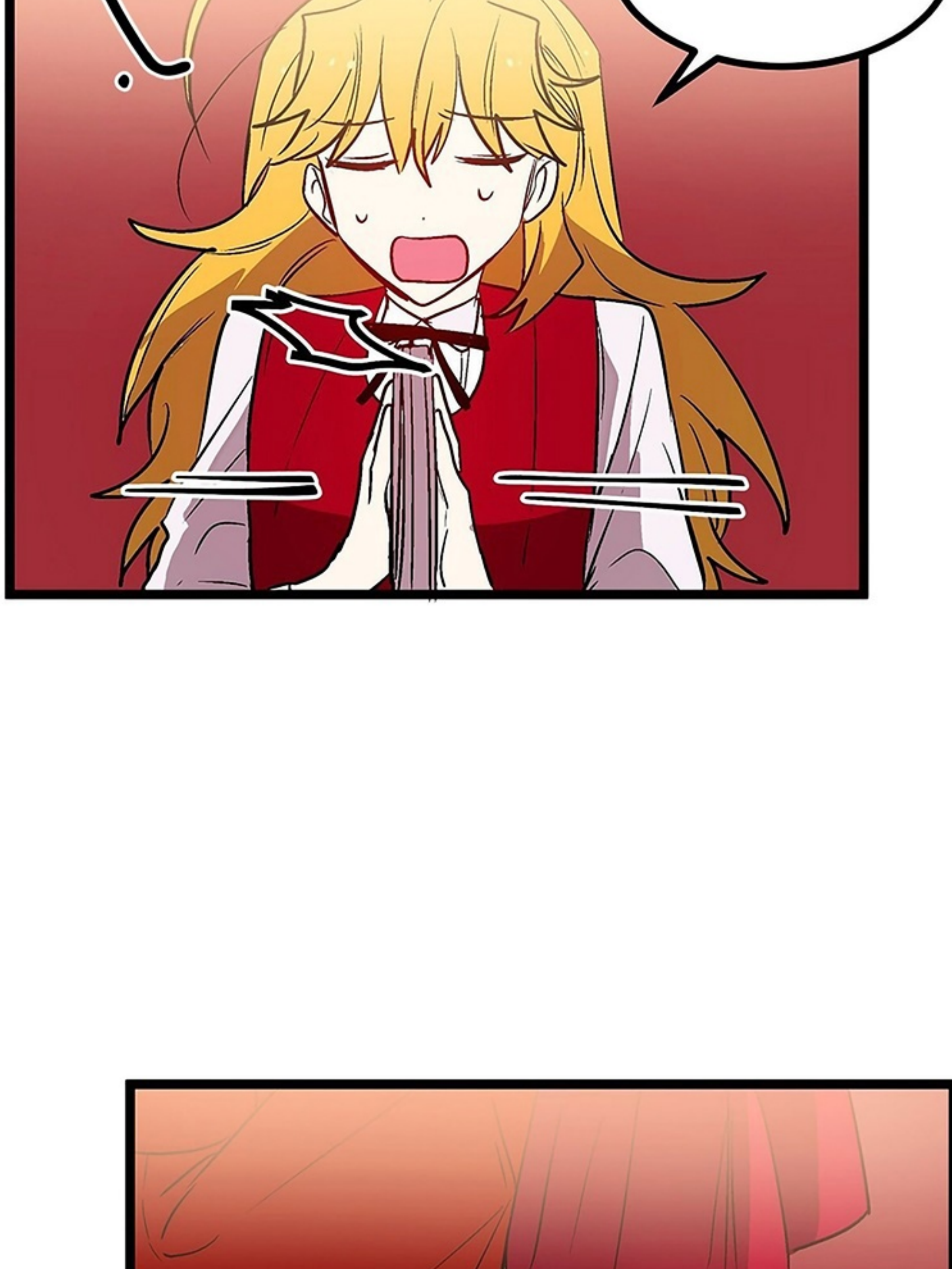
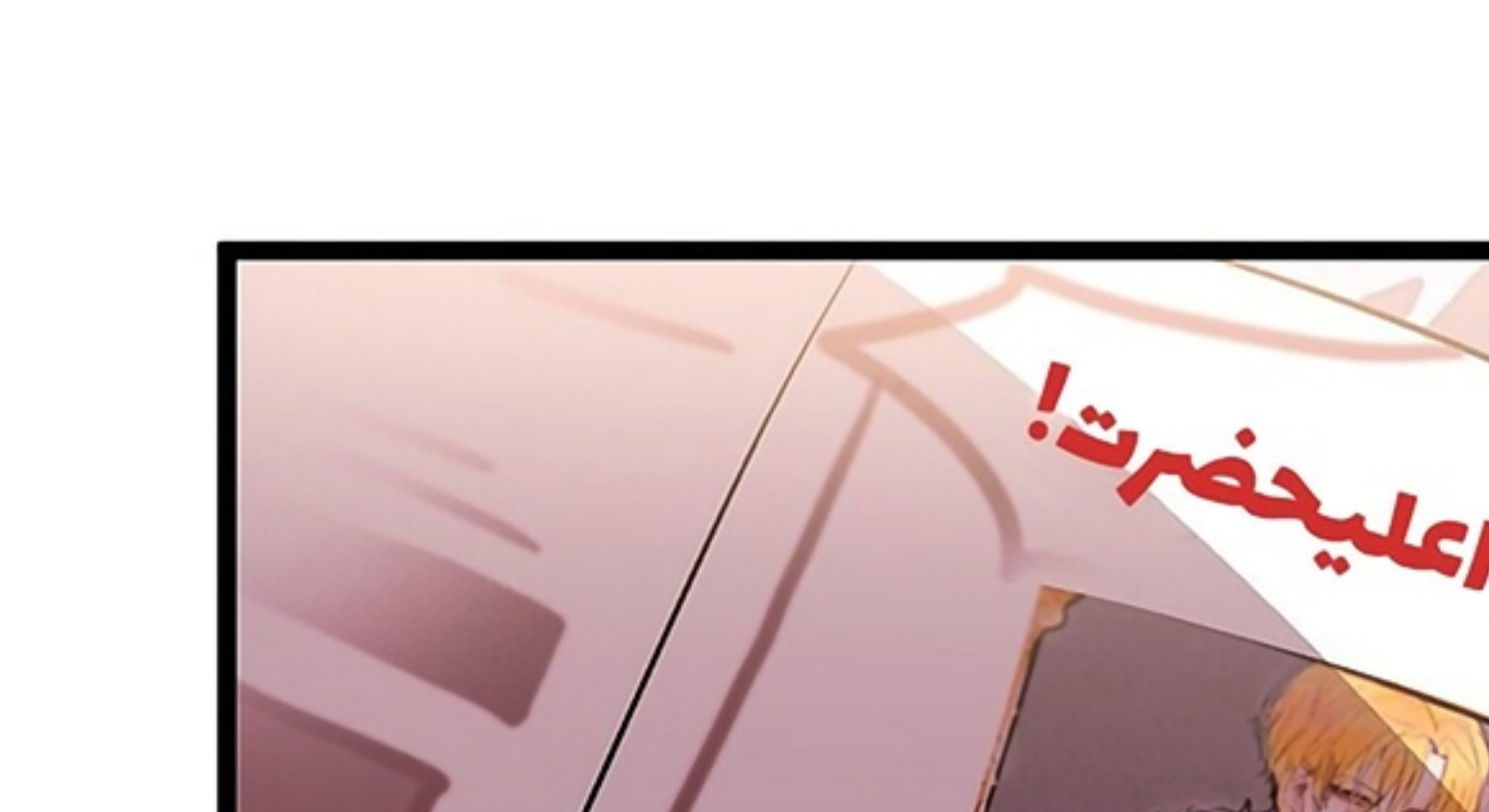
آه...

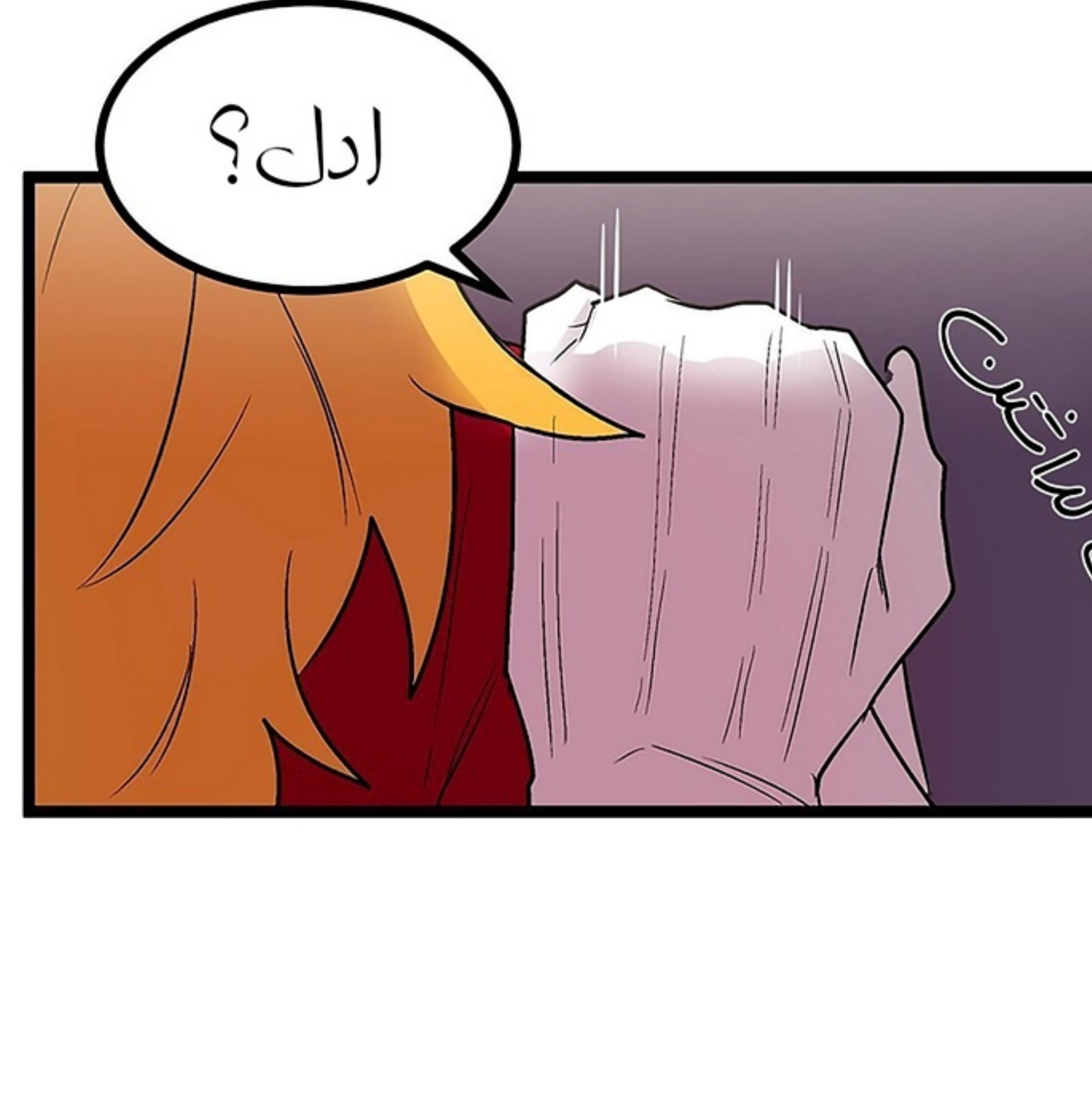
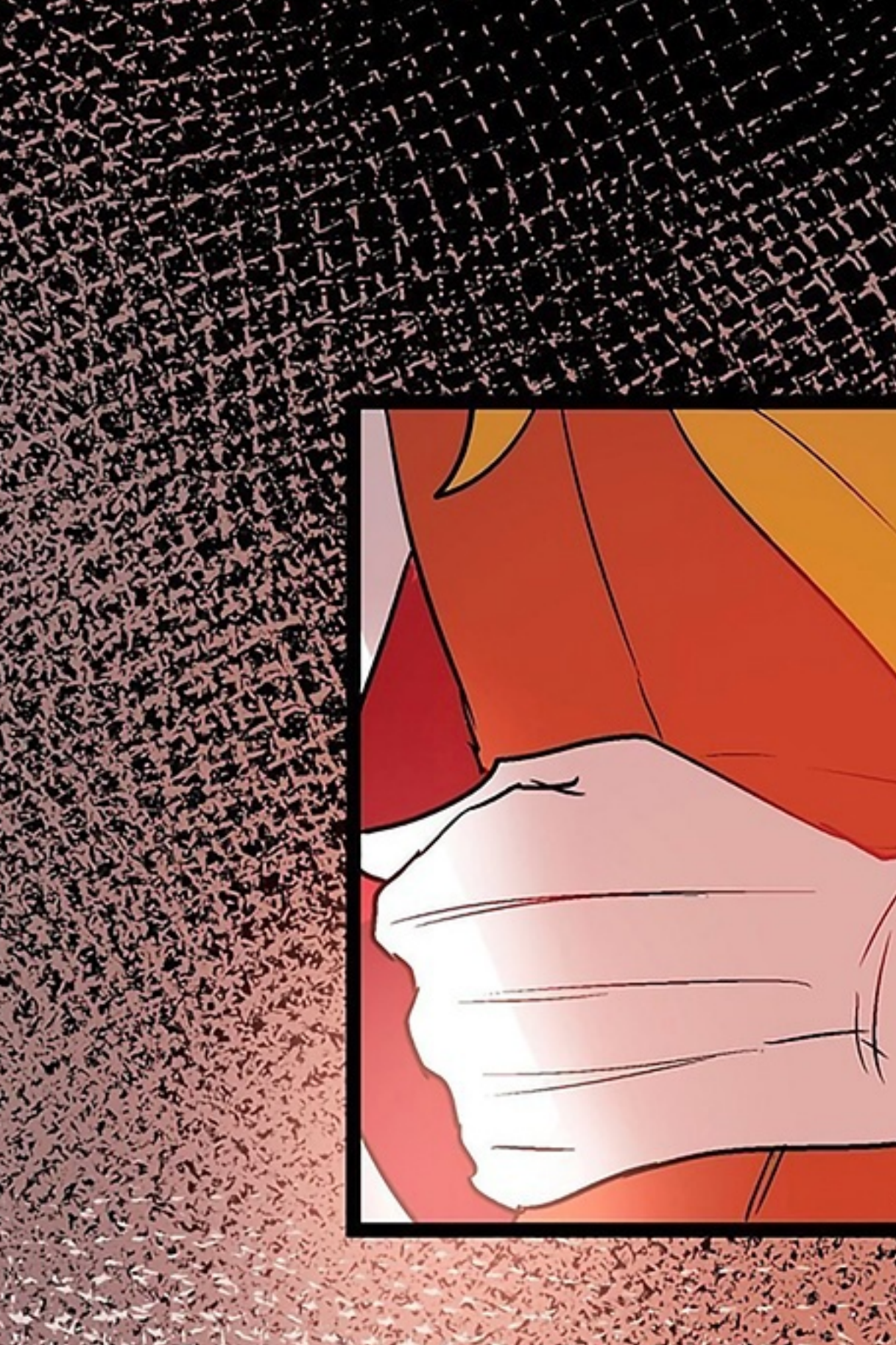
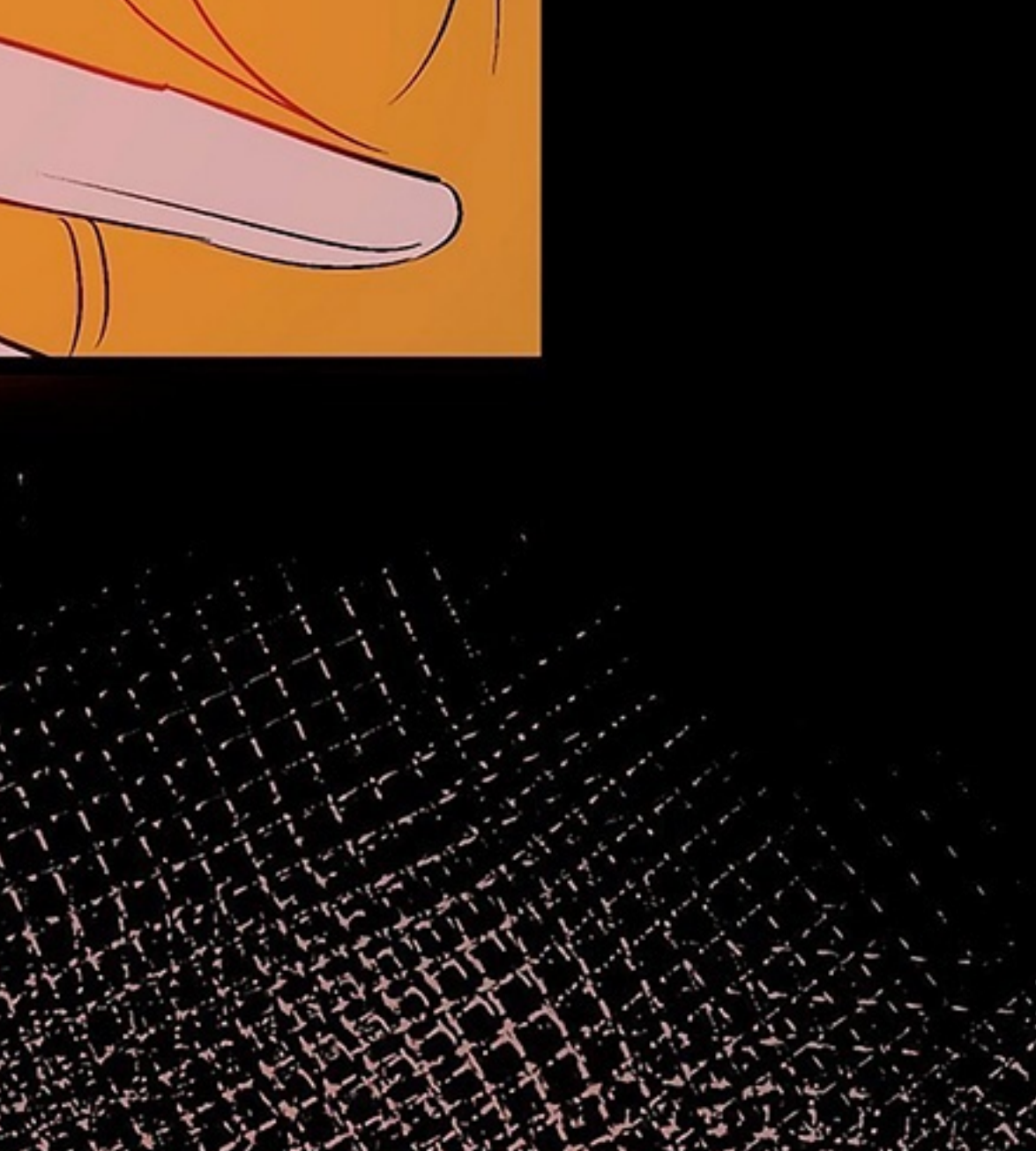
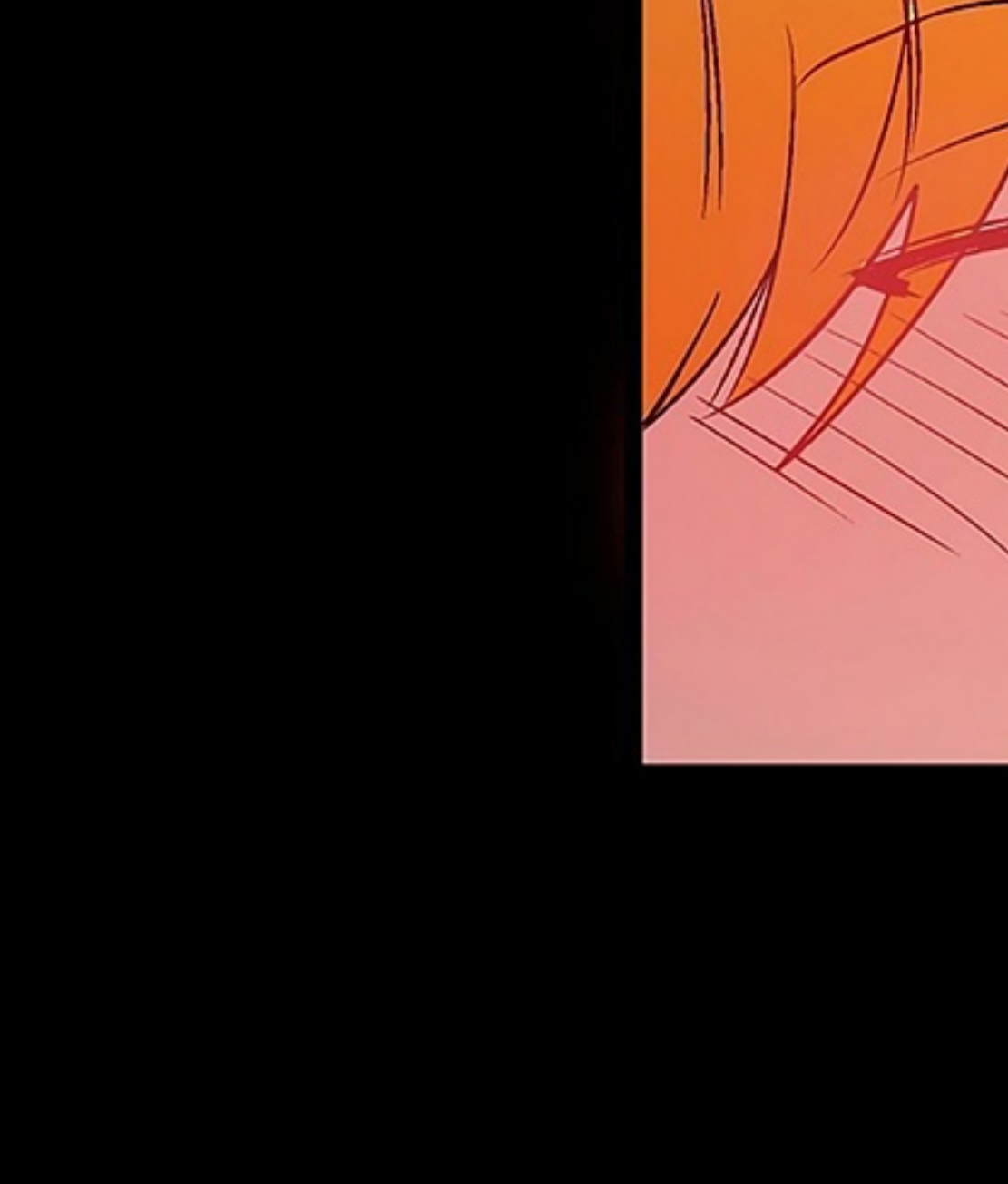


황제의 악녀로 살아는것은

طراح: Chimpa
نویسنده: Saebyeon Yuseong
محصل: Orange Track

(27)





چرا هی بهش فکر می‌کنم...



بعد از اون روز دیگه اعلیحضرتو ندیدم، البته باید خیلی سرش شلوغ باشه، درسته؟

ادلک؟



اعلیحضرت؟!

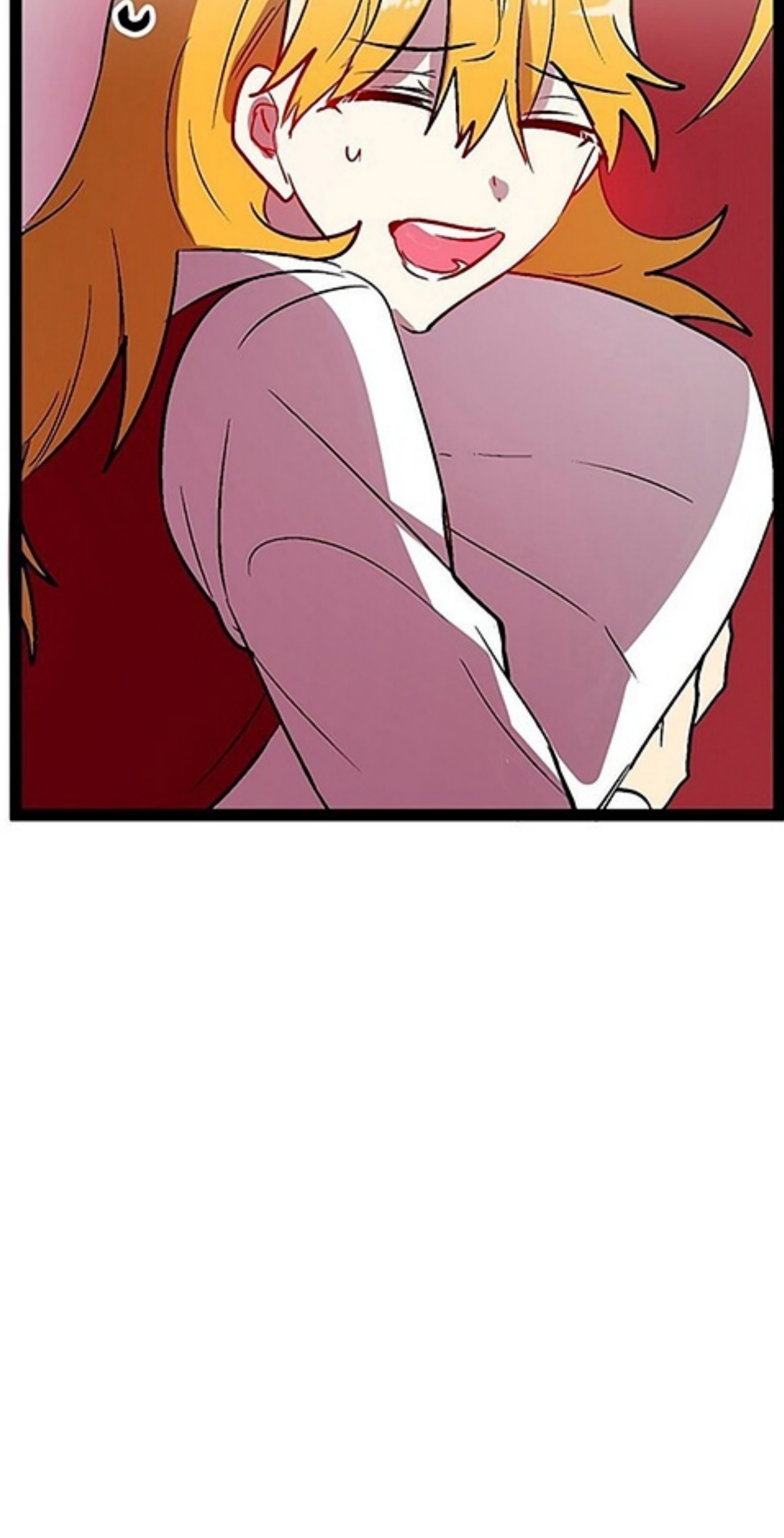


در زدم، اما چوایمو ندادی... حالت خوبه؟

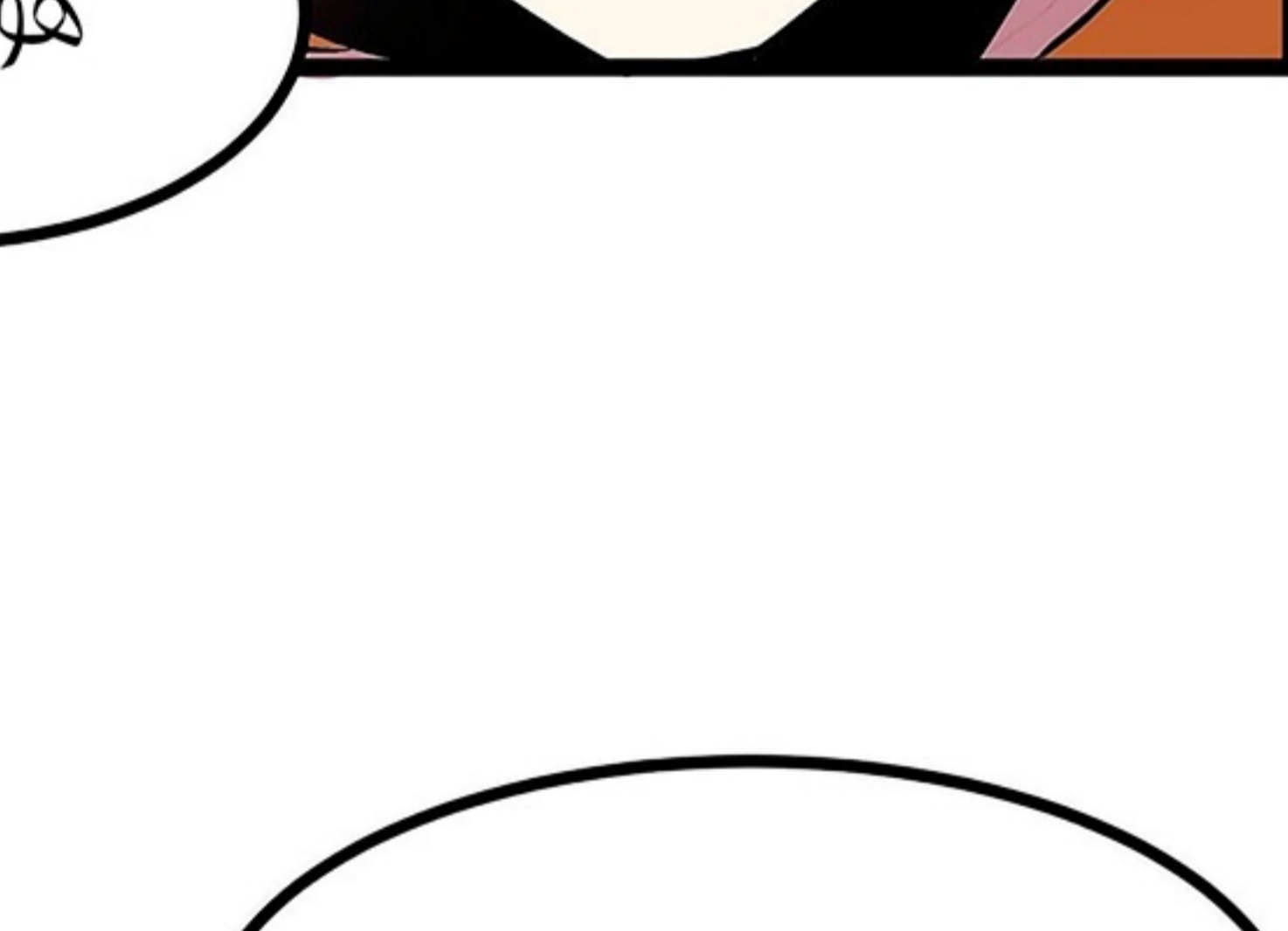
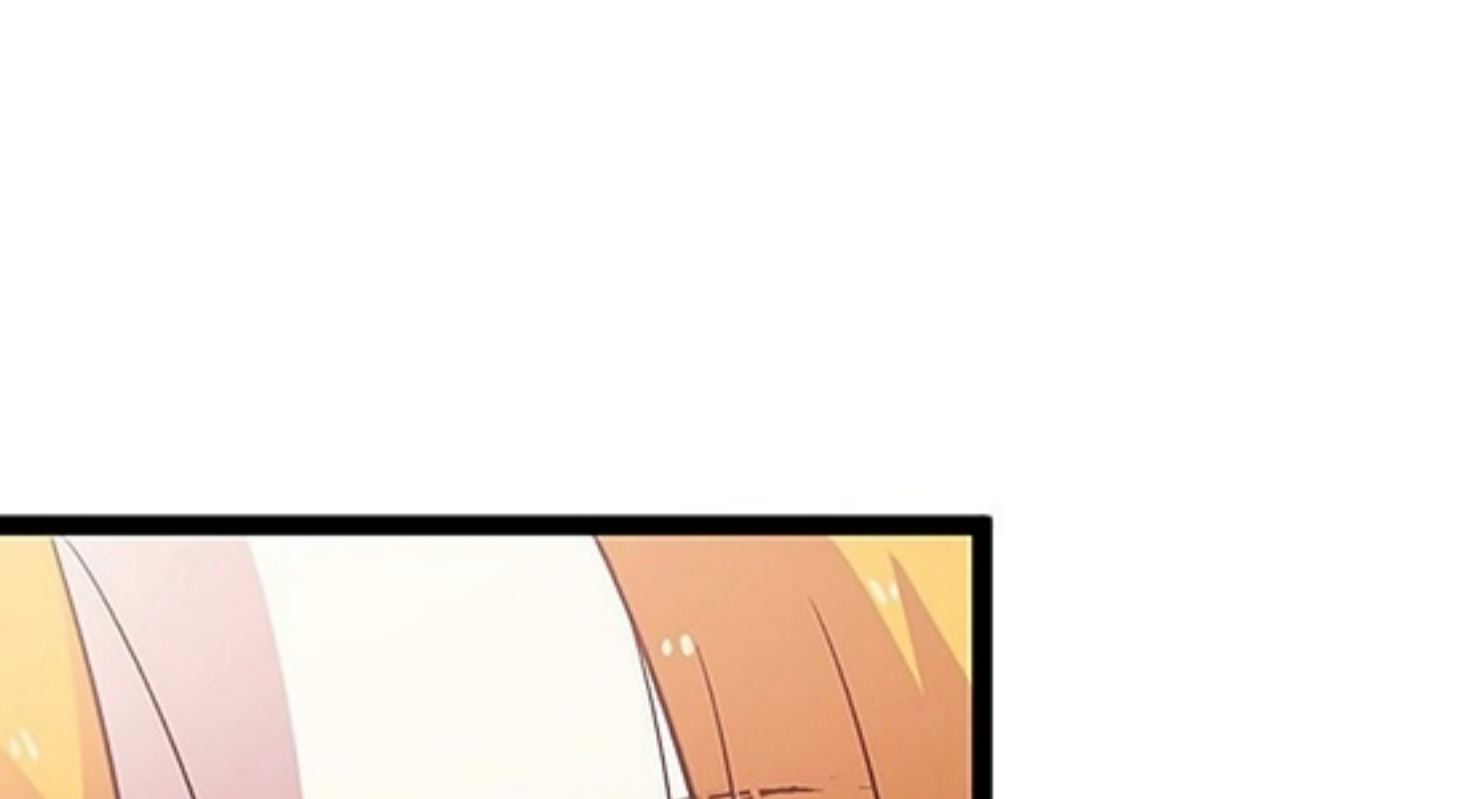
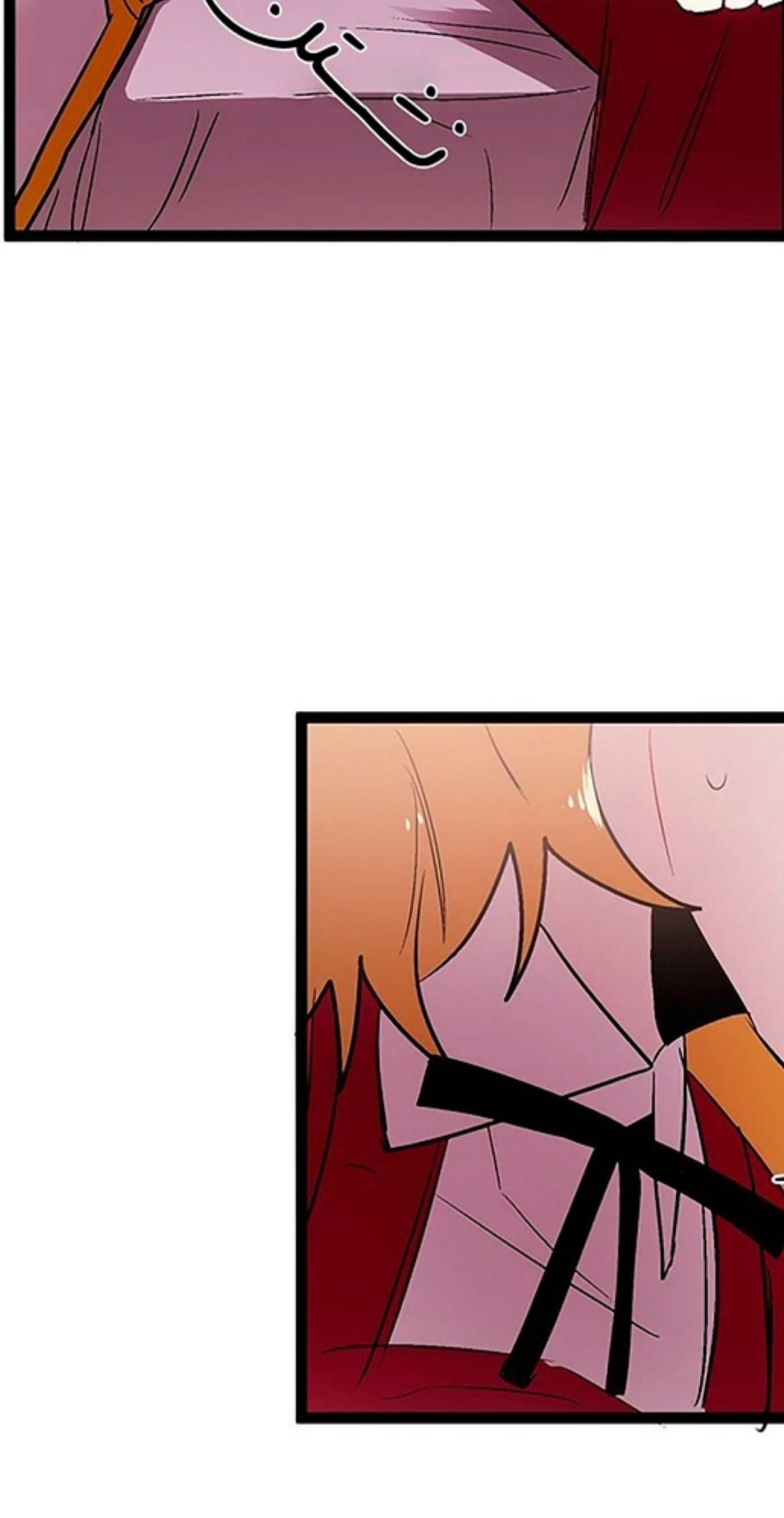


مترجم: وی همپتان تفته به دست است.

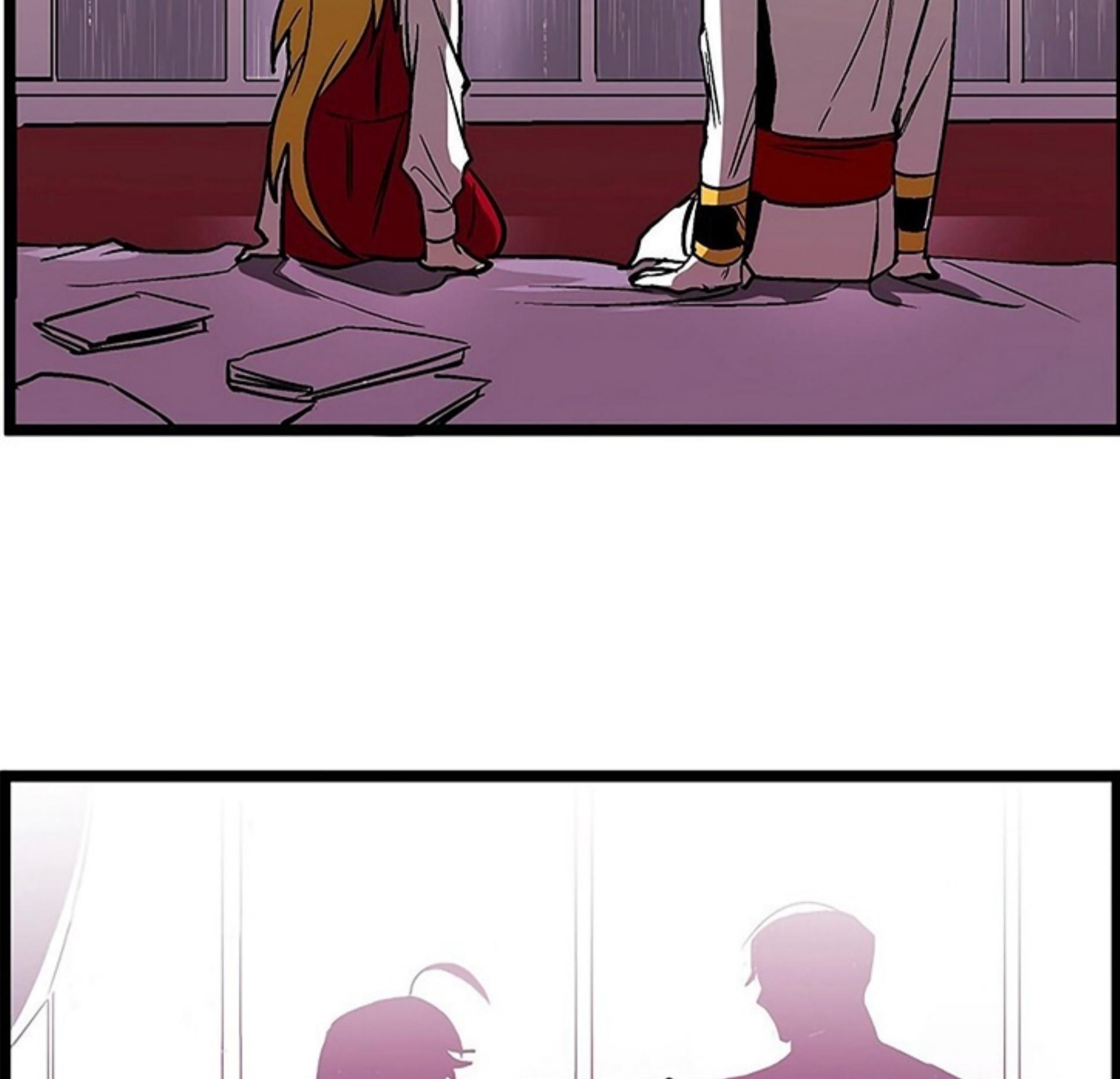
اوه، آره... هوا خوبه،
اعلیضرت.



سینه



خوبیه.

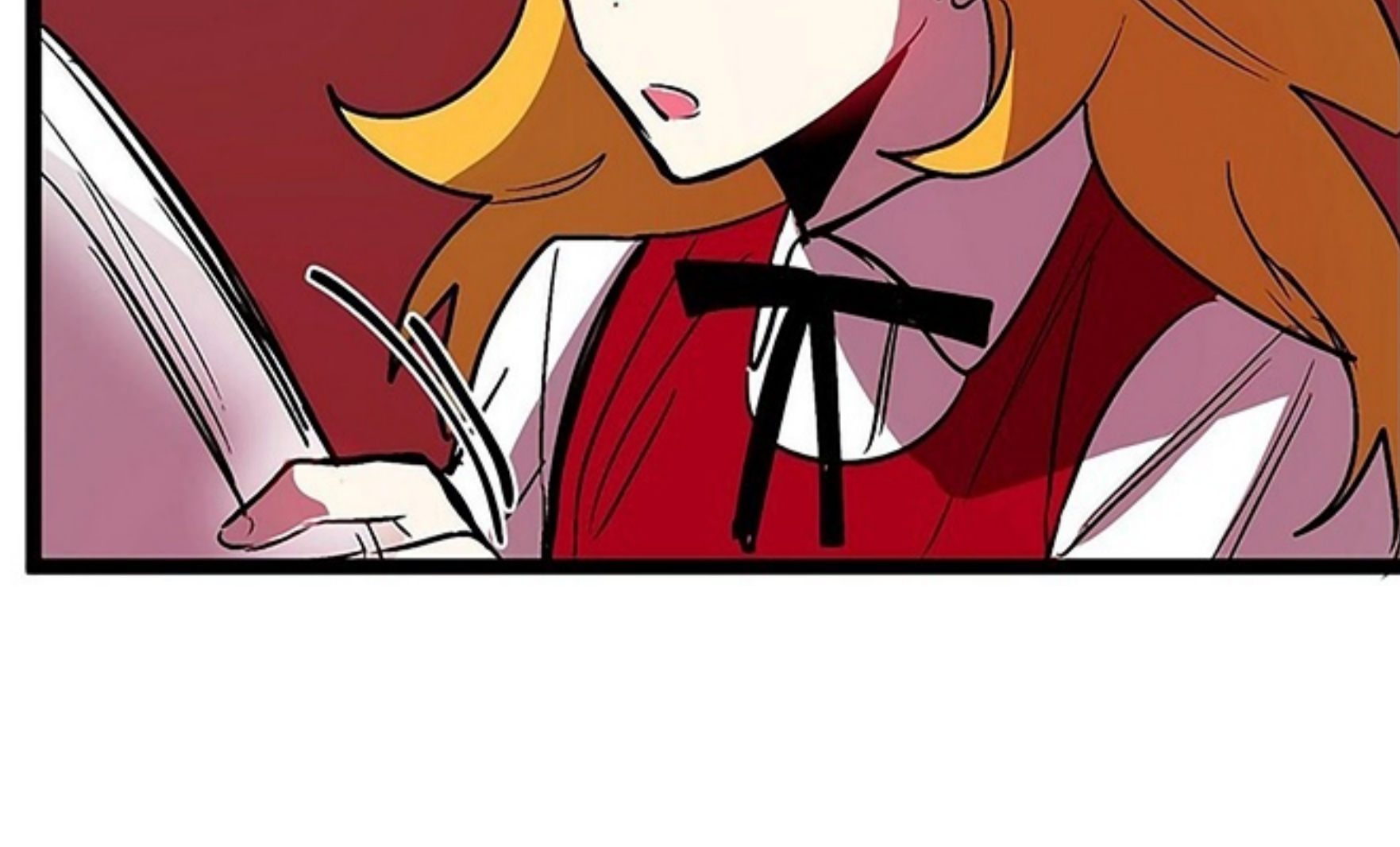


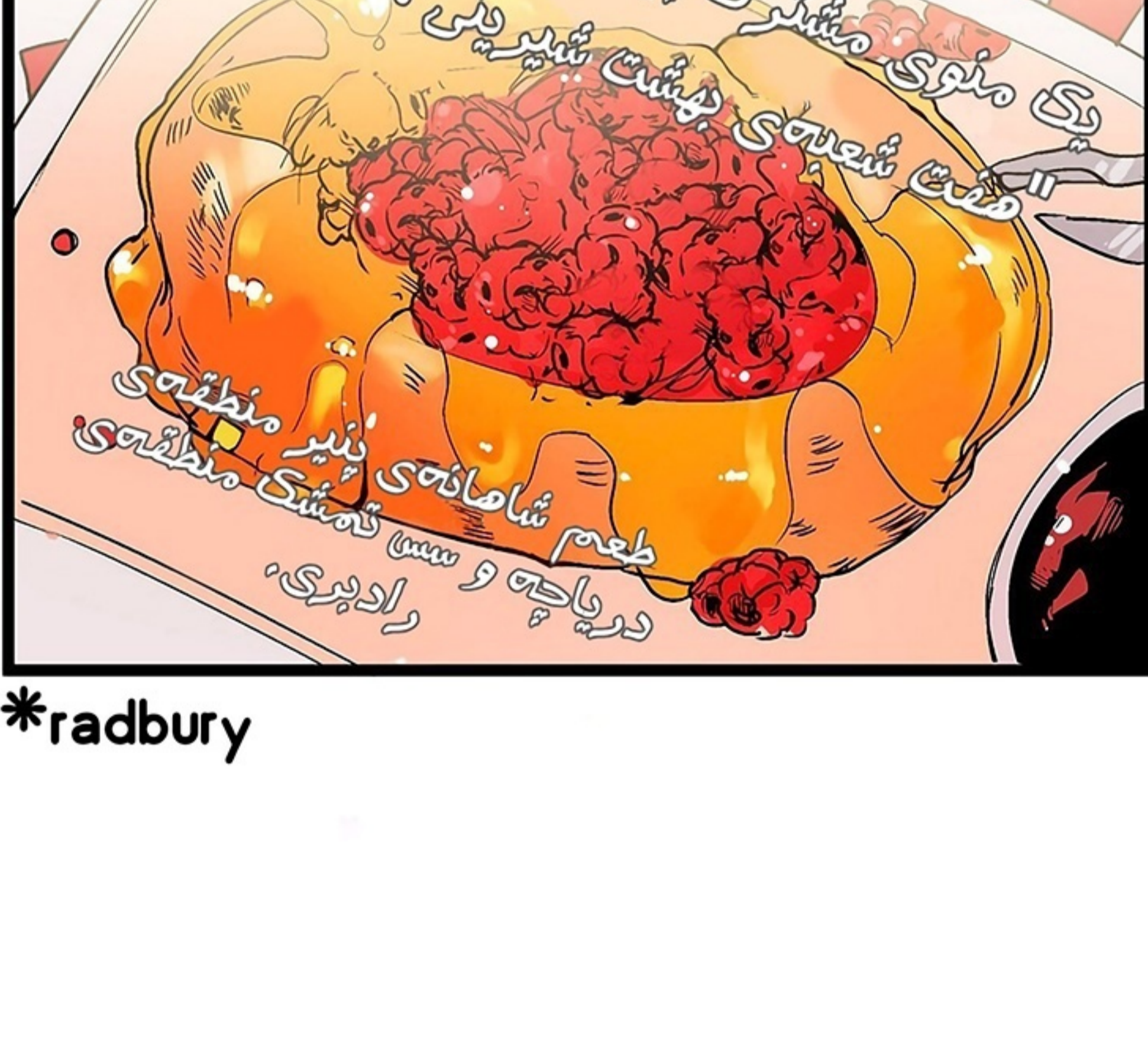
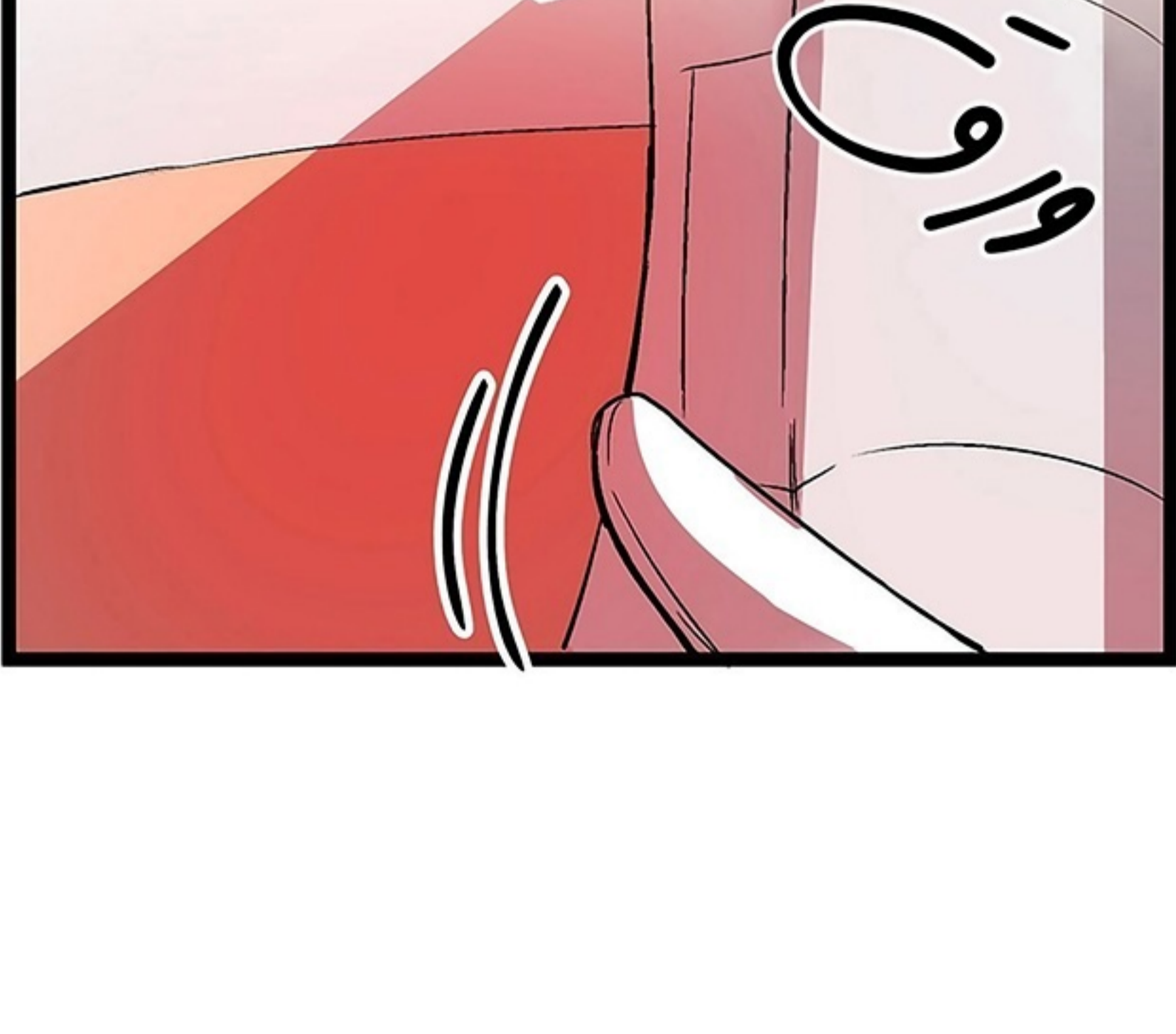
دیوونه شدم.

عال جسمیت چگونه؟
راستش، اومدم اینجا که
اینو بهت بدم...

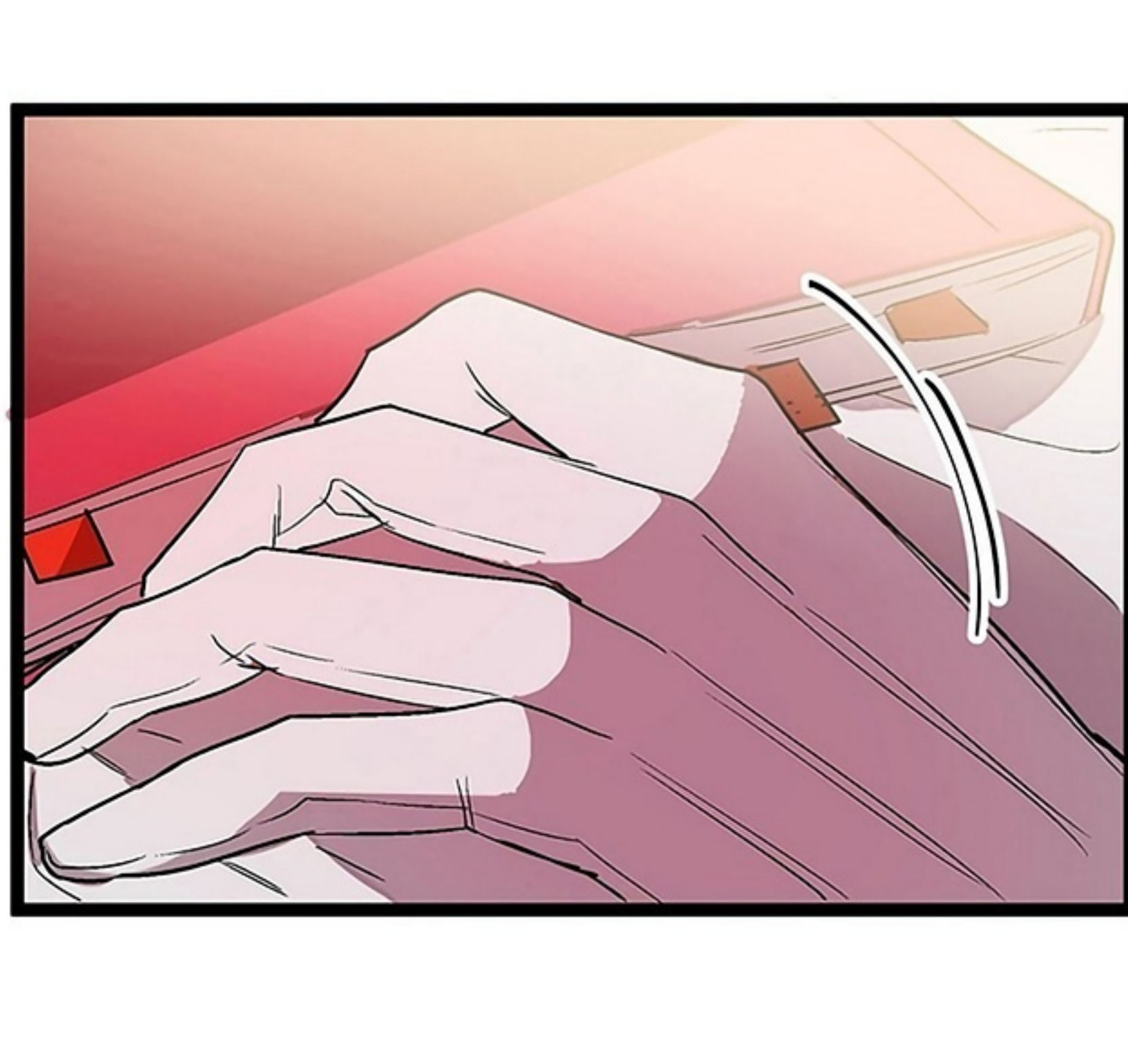
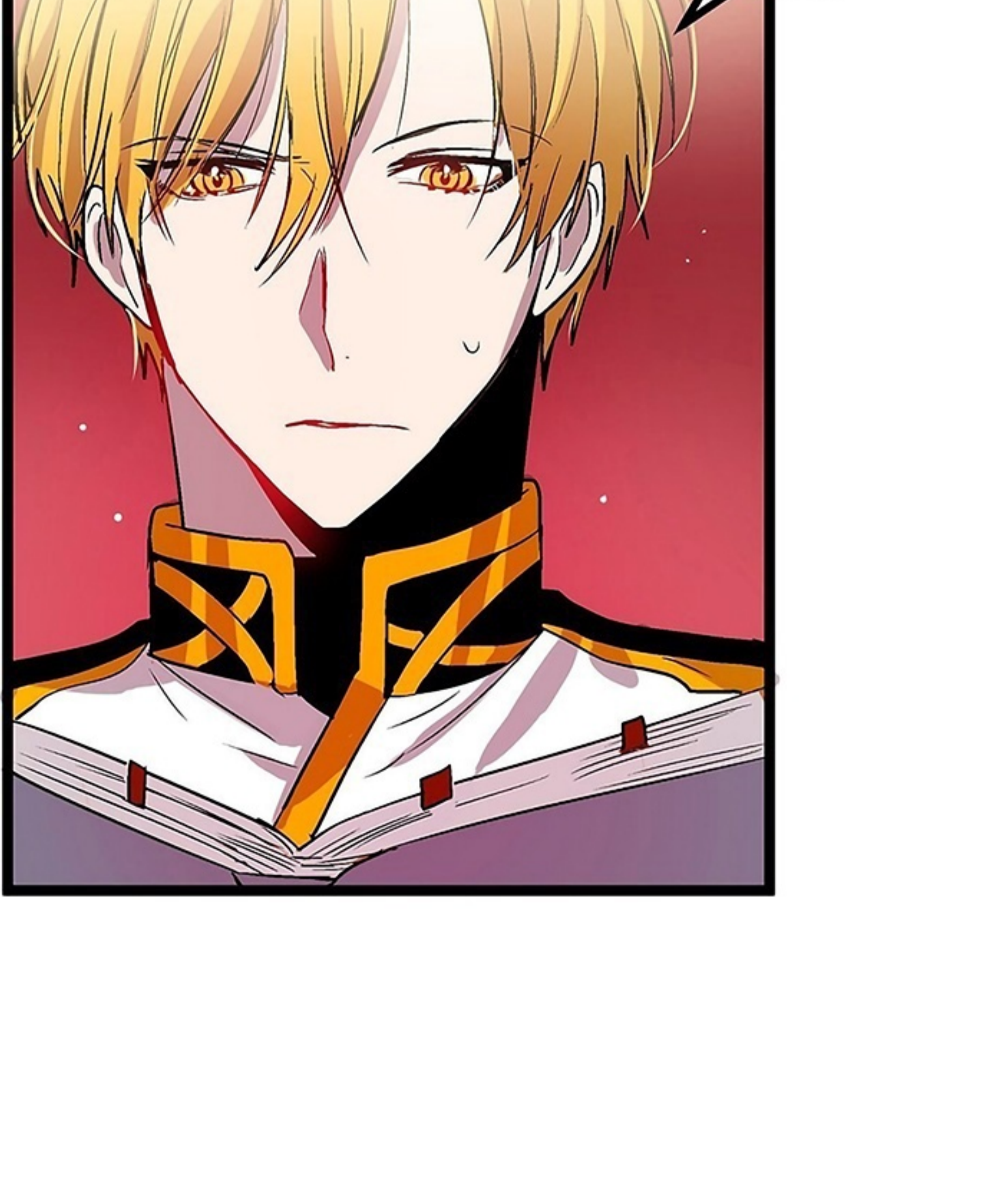
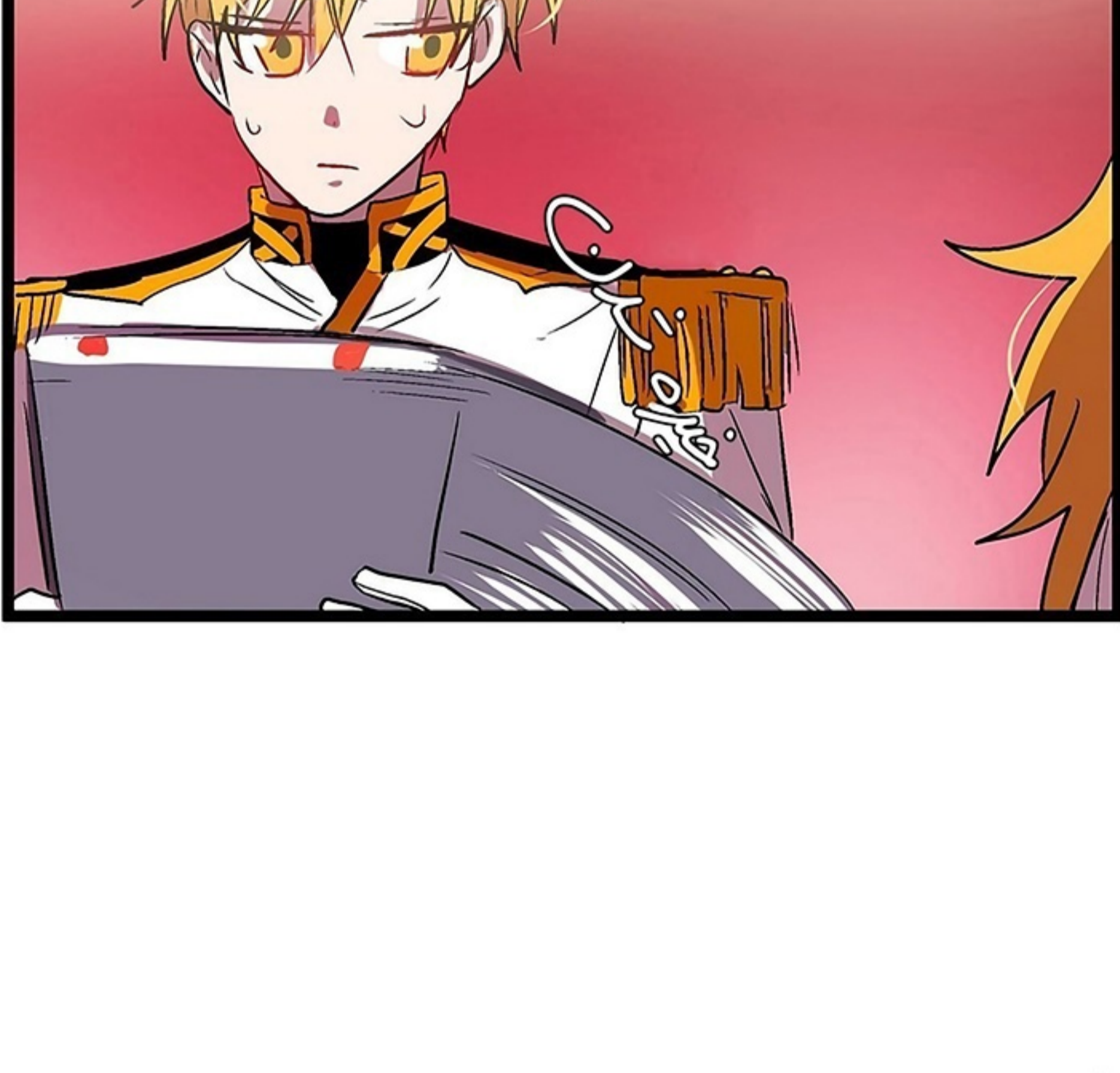
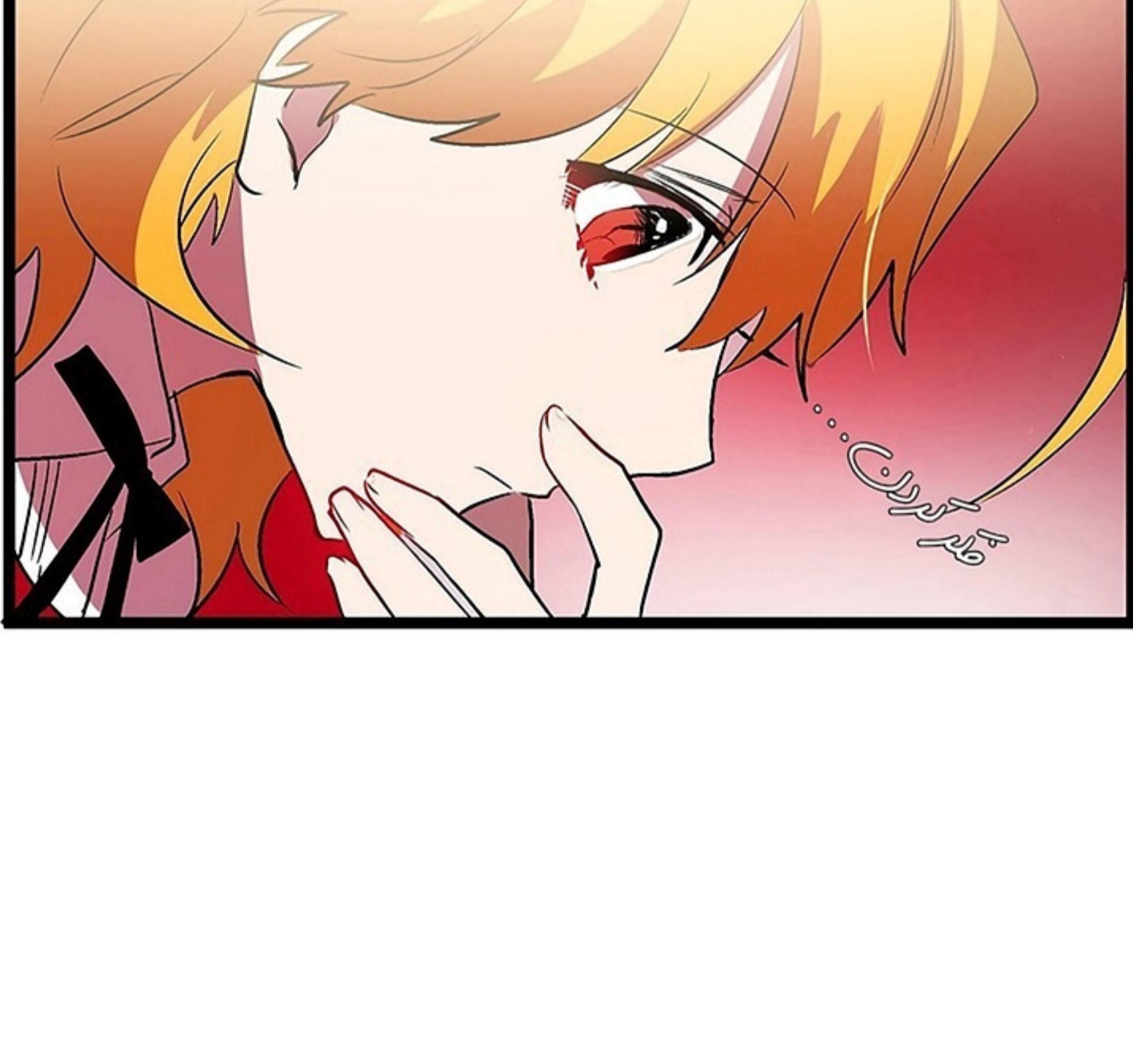
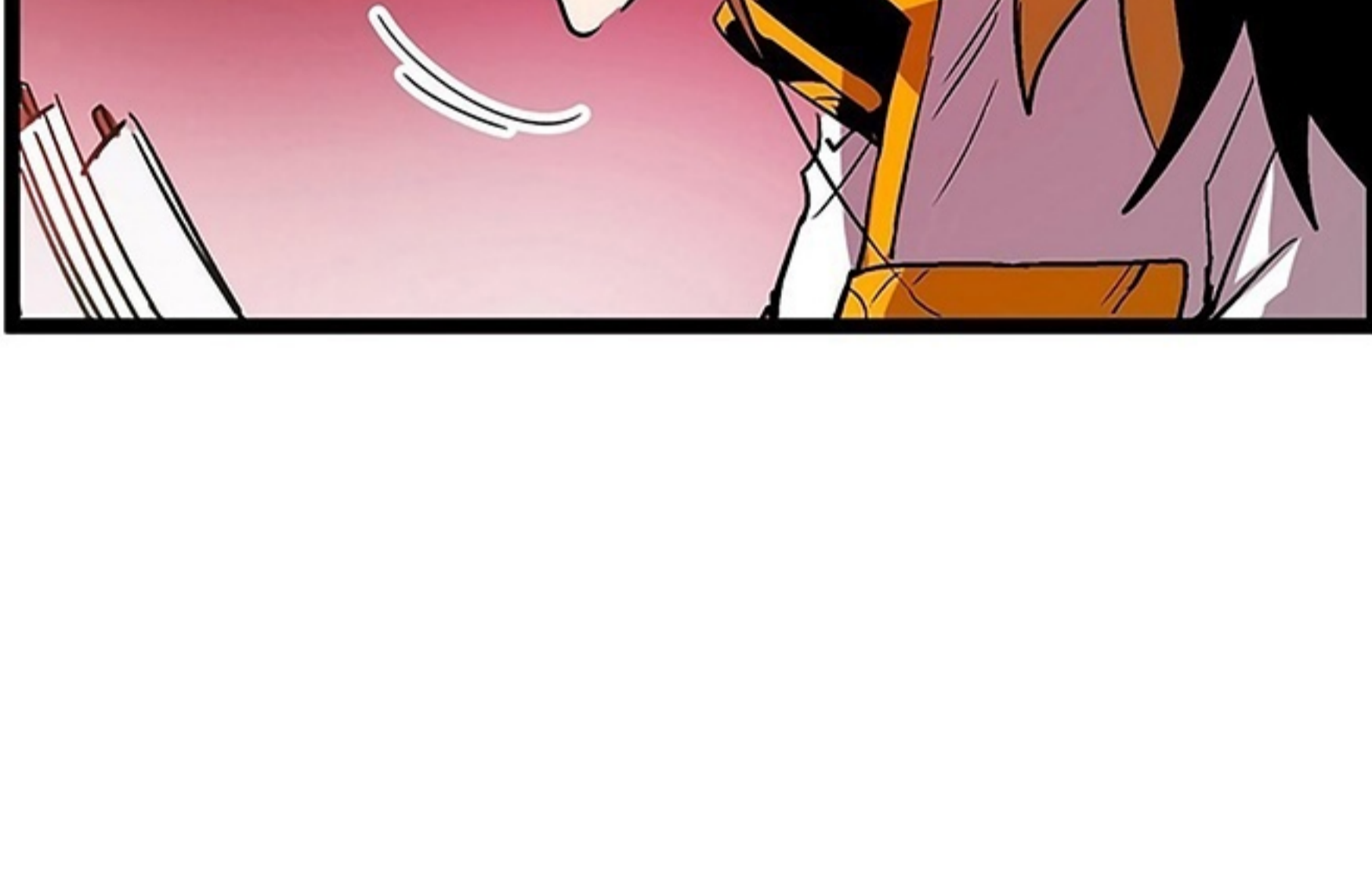


این... این برنامه‌ی
زمانیه؟ می‌تونم یکم
بفونمش؟





*radbury





فیلی آروم پیش نمی‌رن؟



بعد از جشن سال نو، کارا زیاد می‌شن...

و باید صبحا برم دفتر.

می‌تونم کارم تو دفتر ادامه بدم؟



آره... فب، کار کردن بدون تو سفته.

مترجم: آفی، سفته تنهای کار کنی؟؟
ویراستار: الکی توهم نزن منظور من این نبود!



و یادت باشه این در به اتاق من متصله.



باشه، حواسم هست بازش نکنم.

و یه چیز هست که ازتون می‌خوام.



فقط کافیه لب تر کنی.



مترجم: شوگر برادر به این می‌گن...

به خاطر خسارتی که دیدیم، داریم زیر کار دفن می‌شیم...



آخه منم خرابی ارث خانوادگی گلدستونه...

*gladstone



تو تو

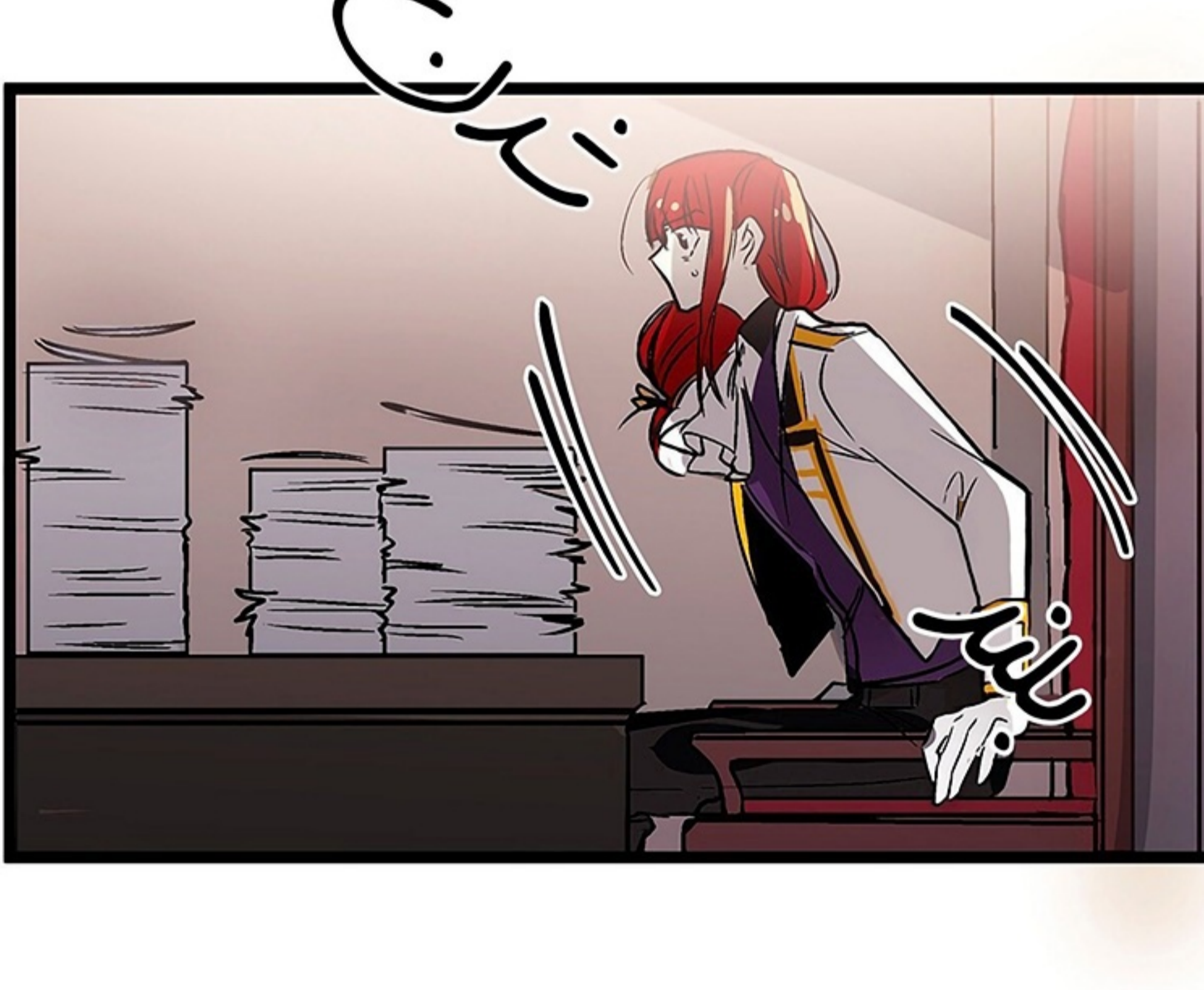
بیا تو.



پرونده‌های جدید؟ بذارشون روی میزی که اونجاست.



منشی هارولد، کارا آوار شده رو سرت؟

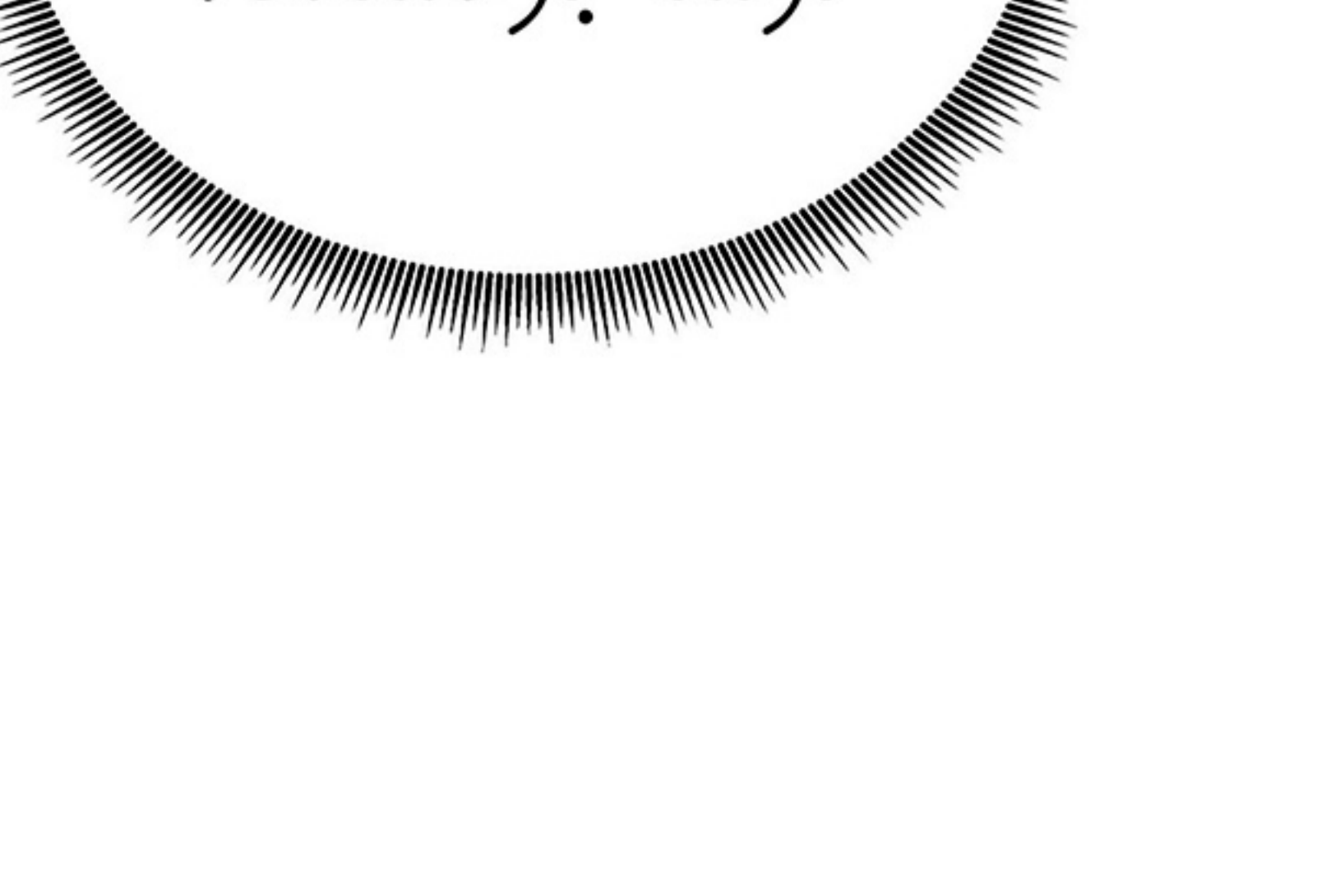


راستی، اعلیضرت کجا رفته؟

پوزخند...



نخست وزیر نرسا برگشته!



مترجم: به پیرزنایی که میرن ماه غسل ربطی نداره... ایش

